

پیوند شعر و موسیقی آوازی

حسین دهلوی

بخش اول این مقاله در شماره پیشین فصلنامه هنر به چاپ رسیده است

گفتار چهارم

برابریابی وزن کلام در موسیقی آوازی

با آشنایی لازم که در گفتار دوم از نظر امتداد و ارزش زمانی هجاهای مختلف به دست آمد، در این گفتار با قراردادن کشش‌های گوناگون موسیقی در برابر هر یک از هجاهای ((کوتاه، بلند، کشیده)) می‌توانیم ریتم کلمات را به دست آوریم. لازم به یادآوری است که در موسیقی آوازی (بنا به روش بین‌المللی) ریتم هر هجا به طور جداگانه نوشته می‌شود و چنانچه برای یک هجا دو یا چند نت چنگ یا دولاچنگ به کار رود، پرچم آنها به هم متصل می‌گردد.

حال اگر در نخستین گام، برای هجای ((کوتاه)) کشش ((دولاچنگ))، برای هجای ((بلند)) کشش ((چنگ)) و برای هجای ((کشیده)) کشش ((سیاه)) را در نظر بگیریم، ریتم نسبی کلمات از نظر موسیقی به دست می‌آید. برای نمونه ریتم موسیقایی کلمات زیر چنین خواهد شد:



دانا = (دا / نا) هجای بلند بلند



پویا = (پو / یا) بلند بلند



آزادی = (آ / زا / دی) بلند بلند بلند



توانا = (ت / وا / نا) کوتاه بلند بلند



کوهساران = (کوه / سا / ران) کشیده بلند کشیده



زندگانی = (زند / د / گا / نی) بلند کوتاه بلند بلند



سحرگاهان = (سح / حر / گا / هان) کوتاه بلند بلند کشیده



ستمگران = (س / تم / گ / ران) کوتاه بلند کوتاه کشیده

به این ترتیب، اولین عامل مشترک بین شعر و موسیقی آوازی شناخته می‌شود و ریتم‌های موسیقایی از بافت وزن کلمات استخراج می‌گردد و از توالی آنها ریتم جمله‌های موسیقی شعر به دست می‌آید.

لازم به یادآوری است که انتخاب کشش ((دولاچنگ)) برای هجای ((کوتاه)) و کشش‌های ((چنگ)) یا ((سیاه)) برای هجاهای بلندتر، نسبی است و با توجه به معنا و مفهوم شعر و حالات و حرکات (تمپو) و لحن موسیقی و میزان بندی انتخاب شده، به نظر نواساز و نغمه پرداز آگاه بستگی دارد و ممکن است در یک آهنگ هجای کوتاه را دولاچنگ و هجای بلند را چنگ نقطه دار یا سیاه منظور کنیم. برای مثال ریتم موسیقایی کلمات ((توانا بود)) چنین خواهد شد:



ta - vā - nā bo - vad

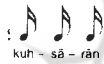
و اگر هجای کوتاه را چنگ و هجای بلند را سیاه در نظر بگیریم می‌توانیم ریتم موسیقایی بخشی از مصراع شعر زیر را چنین بنویسیم:



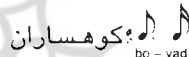
ey ke ze yek lā - be - še to

هدف این است که امتداد هجای کوتاه به نسبت از هجاهای دیگر کوتاه‌تر باشد. ولی باید توجه داشت که اگر به نسبت افزایش امتداد هجاهای ((بلند)) و ((کشیده)) بر کشش موسیقایی هجای ((کوتاه)) نیز افزوده شود، احساسی که معمولاً از اجرای هجای ((کوتاه)) در زبان فارسی داریم، از بین می‌رود و کشش‌های موسیقی آوازی تا حدودی یکنواخت به نظر می‌رسد. بنابراین، لازم است که در انتخاب ریتم موسیقایی هجاها، کششی برای هجای ((کوتاه)) در نظر گرفته شود که کوتاهی آن احساس شود و تفاوت آن با هجاهای دیگر مشخص باشد؛ مگر در موارد ضروری و بنا به نیاز شعر^۲ یا در اجرای موسیقی کودکان و یا موسیقی آوازی صحنه‌ای و موارد مشابه.

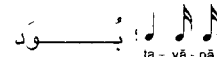
یادآوری این نکته نیز ضروری است که اگر کشش‌های کوتاه و بلند هجاها در موسیقی آوازی به درستی رعایت نشود، ادای کلمات نامانوس و در مواردی نامفهوم می‌شود و ممکن است مضحک به نظر آید. مانند آنکه بیگانه‌ای تازه آشنا به زبان فارسی، کلماتی را بیان کند. برای مثال اگر ریتم کلمات جابه‌جا ادا شود. چنین صورتی به وجود خواهد آمد:



kuh - sā - rān



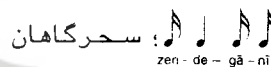
bo - vad



ta - vā - nā



sa - har - gā - hān



zen - de - gā - ni

بنابراین، استخراج صحیح ریتم کلمات در پیوند شعر و موسیقی آوازی نقش اساسی و زیربنایی را بر عهده دارد.

برابریابی ریتم موسیقایی مواردی از گفتار پیشین

با توجه به برخی موارد که در آوانویسی کلمات و اشعار در گفتار سوم گفته شد، توضیحاتی در مورد کمیت هجاها و ریتم موسیقایی آنها داده می‌شود:

۱) کسره‌ای که برای وصل بعضی از کلمات به یکدیگر به کار می‌رود، موجب تبدیل کشش هجای بلند کلمه اول به دو هجای ((کوتاه / کوتاه)) می‌شود. برای نمونه کلمات ((شب))، ((گل)) و مشابه آنها هرکدام یک هجای ((بلند)) اند که اگر به کلمه دیگر مربوط شوند (مانند: شب تاریک، گل سپید) با کسره‌ای که می‌گیرند، به دو هجای ((کوتاه)) تبدیل می‌شوند:



ša - be tā - rīk

شب = هجای بلند ، شب تاریک = کوتاه کوتاه بلند کشیده



go - le se - pīd

گل = هجای بلند ، گل سپید = کوتاه کوتاه کوتاه کشیده

همچنین کلمات: ((مرغ))، ((نخل))، ((شمع)) و امثال آن که هرکدام هجای ((کشیده)) اند، در وصل به کلمه بعد به دو هجای ((بلند / کوتاه)) تبدیل می‌شوند:



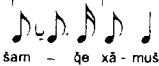
mor - qe sa - har

مرغ = هجای کشیده ، مرغ سحر = بلند کوتاه کوتاه بلند



nax - le o - mid

نخل = هجای کشیده ، نخل امید = بلند کوتاه کوتاه کشیده



šam - qe xā - muš

شمع = هجای کشیده ، شمع خاموش = بلند کوتاه بلند کشیده

۲) همان گونه که قبلاً آمده است، در آخر بعضی از کلمات حرف «ه» نوشته می شود ولی تلفظ نمی شود که آن را «ه» غیرملفوظ گویند. مانند: «نامه، سپیده، افسانه و...». با اینکه هجای آخر این کلمات از دو حرف تشکیل شده است ولی چون حرف «ه» خوانده نمی شود، هجای آخر را «کوتاه» محسوب می کنیم؛ مگر در شرایطی که هجای آخر این گونه کلمات از نظر وزن شعر در جای «بلند» قرار گرفته باشد. ریتم موسیقایی این کلمات را می توان چنین در نظر گرفت:

| | | | | | |
|--|----------------------|--|---------------------|--|---------------|
| | افسانه af - sā - ne | | سپیده se - pī - de | | نامه nā - me |
| | پیمانه pey - mā - ne | | شکفته še - kof - te | | تازه tā - ze |
| | اندیشه an - dī - še | | گذشته go - zaš - te | | تشنه teš - ne |

ولی «ه» در آخر کلمات دیگری مانند: «راه، جاه، ماه، کوه، گاه و...» ملفوظ است و بدین جهت آن را جزو امتداد هجا به حساب آورده و آن را هجای «کشیده» در نظر می گیریم:

راه ^{rāh}، جاه ^{jāh}، ماه ^{māh}، کوه ^{kuh}، گاه ^{kāh} = هجای کشیده ^{rāh}
 ریتم موسیقایی کلمات دیگر از قبیل: «نگه، سیه، تبه، کوته، آگه، سیاه، نگاه، کوتاه، آگاه، سپاه، پگاه، درگاه، دلخواه، اندوه، سحرگاه و...» که بیش از یک هجا دارند، چنین است:

| | | | | | |
|--|-----------------------|--|---------------|--|------------------|
| | سحرگاه sa - har - gāh | | کوته ku - tah | | نگه ne - gah |
| | | | آگه ā - gah | | سیه si - yah |
| | | | | | تبه ta - bah |
| | | | نگاه ne - gāh | | درگاه dar - gāh |
| | | | سپاه se - pāh | | دلخواه del - xāh |
| | | | سیاه si - yāh | | کوتاه ku - tāh |
| | | | پگاه pe - gāh | | اندوه an - duh |
| | | | تباه ta - bāh | | آگاه ā - gāh |

۳) در کلماتی که هنگام وصل به کلمه دیگر «ه» غیرملفوظشان - در گفتار - به «ی» تبدیل می شود، یک هجای کوتاه به ریتم موسیقایی آنها اضافه می شود:

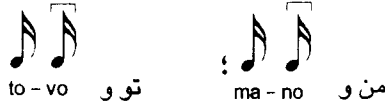
| | | | |
|--|---------------------------------|--|------------------------|
| | اندیشه من an - dī - še - ye man | | = اندیشه an - dī - še |
| | شایسته او šā - yes - te - ye u | | = شایسته šā - yes - te |

| | | | |
|--|--------------------------------|--|----------------|
| | گوشه بامی gu - še - ye bā - mī | | = گوشه gu - še |
|--|--------------------------------|--|----------------|

۴) حرف «و» که به صورت «وصل» یا «رابط» بین دو کلمه، حرف ماقبل خود را به صدا و حرکت «و» درمی آورد، یک هجای کوتاه به آخر کلمه اول اضافه می کند که ریتم موسیقایی آن نیز باید در نظر گرفته شود. مانند کلمات «من و»، «تو و» در شعر زیر:

من و مهر از تن و از جان بریدن در هوای تو تو و از مهربانان رشته الفت بریدن ها
 (رهمی معیری)

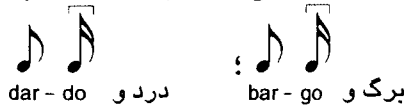
کلمه «من» که یک هجای «بلند» است، به دو هجای کوتاه «م / ن» تبدیل می شود و در مصراع دوم هم «تو» که خود یک هجای «کوتاه» است، «واو» آن با کمک «واو بعدی» به صدای «-» درمی آید و یک هجای کوتاه دیگر به آن اضافه می شود:



همچنین در شعر زیر:

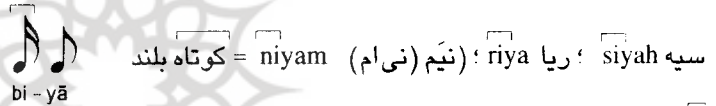
هر برگ و هر گیاه که از خاک می دمد هر یک ز درد و حسرت ما ترجمان ما است
(عطار)

در بیت بالا کلمات «برگ» و «درد» هجای «کشیده» اند ولی با حرکتی که به وسیله «و» به آخر آنها اضافه می شود، به هجاهای «بلند / کوتاه» تبدیل می شوند:



البته در شرایطی که بعداً خواهیم دید، گاهی هجای کوتاه «و» و هجاهای کوتاه دیگر به جای بلند به کار برده می شوند و در این صورت ریتم آن «بلند» منظور خواهد شد.

۵) در بعضی از کلماتی که «ای کوتاه» در آنها به کار می رود، ریتم موسیقایی آنها نیز برابر با هجای «کوتاه» در نظر گرفته می شود. مانند: بیا biya؛

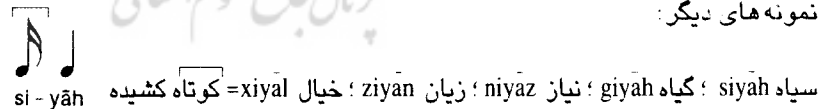


بیا تا کل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
(حافظ)

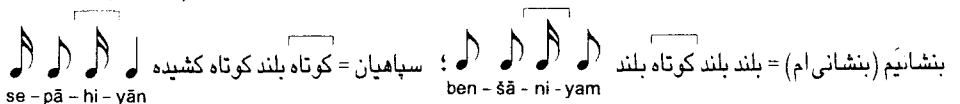
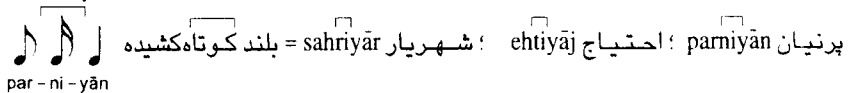
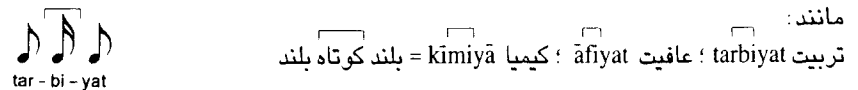
گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
(سعدی)

از مردم صد رنگ سیاه پوشی به وز خلق فرومایه فراموشی به
آگه نیم (نی ام) که عمر گرامی چسان گذشت خوابم ربوده بود که این کاروان گذشت
من از بی نوایی نیم (نی ام) روی زرد غم بی نوایان رخم زرد کرد
(سعدی)

نمونه های دیگر:




همچنین «ای کوتاه» در برخی کلمات در هجای دوم یا سوم کلمه به کار می رود. مانند:



۶) حروف مشدد کلمات بر امتداد هجای مربوط می افزاید و هجای «کوتاه» را به هجای «بلند» تبدیل می کند. در نتیجه ریتم موسیقایی آن نیز باید بر همین معیار در نظر گرفته شود. برای مثال در کلمات «پله» و «ملت» که در حقیقت «پله» و

«مللت» گفته می‌شود، «ل» نخست حرف ساکنی است که بر امتداد هجای اول می‌افزاید و «ل» دوم قبول حرکت می‌کند و هجای دوم کلمه را تشکیل می‌دهد. ریتم موسیقایی این گونه کلمات را می‌توان چنین نوشت:


 mel - lat ملت = بلند بلند

 pel - le پله = بلند کوتاه


 ma - hab - bat
 so - ray - yā محبت، ثریا = کوتاه بلند بلند

در پاره‌ای از موارد ممکن است کلمه‌ای مانند «امید» با تشدید هم گفته شود.


در شعر زیر هر دو نمونه آن به کار رفته است:

دل خون شد از امید و نشد یار، یار من ای وای بر من و دل امیدوار من



کلمه «امید» در مصراع اول بدون تشدید است و از یک هجای کوتاه و یک هجای


کشیده تشکیل شده است:  ، ولی در مصراع دوم «امید» در کلمه
o - mid


«امیدوار» بنا به ضرورت شعری با تشدید به کار رفته است که چون هجای اول آن یک حرف بیش از کلمه «امید» (در مصراع اول) دارد آن را متشکل از هجاهای

«بلند / کشیده» به حساب می‌آوریم:  om - mid


۷) در بعضی از موارد ممکن است کلماتی بنا به ضرورت (از نظر تعداد و امتداد هجا) به دو گونه به کار روند. مانند کلمات دو هجایی: آشنا، آسمان، مهربان، استوار، ارجمند که به صورت سه هجایی نیز به کار می‌روند. بنابراین ریتم موسیقایی این گونه کلمات تابع نحوه به کارگیری آنهاست:


آشنا (دو هجایی) = کشیده / بلند آشنا (سه هجایی) = بلند / کوتاه / بلند
 ā - še - nā آشنا (دو هجایی) = کشیده / بلند آشنا (سه هجایی) = بلند / کوتاه / بلند
 ās - nā

آسمان، مهربان، استوار، ارجمند (دو هجایی) = کشیده / کشیده
 ās - mān
 mehr - bān
 ost - vār
 arj - mand


آسمان، مهربان، استوار، ارجمند (سه هجایی) = بلند / کوتاه / کشیده
 ā - se - mān
 meh - ra - bān
 os - to - vār
 ar - jo - mand

کلمه دو هجایی «بستان» نیز ممکن است به صورت سه هجایی به کار رود که امتداد


هجاهای آن اندکی با کلمات قبل متفاوت است: بستان (دو هجایی) = بلند / کشیده
 bes - tān

بستان (سه هجایی) = کوتاه / کوتاه / کشیده
 be - se - tān


برابریابی ریتم کلماتی که با مصوت مرکب به کار می‌روند
 (۸) چنانچه هجایی از یک حرف و یک مصوت مرکب ترکیب شده باشد، ریتم
 موسیقایی آن برابر با هجای «بلند» می‌شود. کلماتی مانند: نو، row، رُو،


جو = jow = هجای بلند

 now

اگر هجای بلندی با مصوت مرکب تلفظ شود و یک حرف ساکن به دنبال داشته باشد،
 ریتم موسیقایی آن برابر با هجای «کشیده» خواهد شد. کلماتی مانند:


نوع nowq، موج mowz، جور jowr، ذوق zowq = هجای کشیده

 nowq

مثال هایی از کلمات دو هجایی:

گوهر gow-har، کولی kow-li، نوبت now-bat، غوغا qow-qā،
 روشن row-san، خسرو xos-row، توام tow-am = هجای بلند بلند

 gow - har

مثال های دیگر: دوره = هجای بلند کوتاه ؛ درو = هجای کوتاه بلند

 dow - re

نوروز now-ruz، توفیق tow-fiq، دوران dow-rān، سوگند sow-gand =


هجای بلند کشیده

 now - ruz


مثال های سه هجایی: صومعه = بلند کوتاه کوتاه ؛ مولوی = بلند کوتاه بلند


 sow - ma - e


در زبان فارسی کلماتی به کار برده می‌شود که بعد از مصوت آن،
 حرف صامت «ی» قرار دارد و برخی از صاحب نظران معتقدند که چون در موقع
 تلفظ آنها تغییراتی در وضع اندام های گفتاری حاصل می‌شود، جزو مصوت های
 مرکب به حساب می‌آیند ولی به نظر اکثر متخصصان متأخر، این گونه مصوت ها
 دو صوتی نیستند و فقط امتداد آنها افزایش می‌یابد. گرچه اظهار نظر دقیق در
 این گونه موارد با متخصصان رشته زبان شناسی است، ولی باید یادآوری شود که
 این دو تلقی مختلف تأثیری در برابریابی ریتم موسیقایی این کلمات ندارد.


برای نمونه:

کلمات یک هجایی: می mey، نی ney، خوی xoy = هجای بلند

 mey

میل meyl، پیک peyk، پای pay، خوی xuy، موی muy = هجای کشیده

 meyl

کلمات دو هجایی: پیدا pey-da، پیکر pey-kar، شیدا sey-da = بلند بلند

 pey - dā

میدان mey-dān، پیمان pey-man، پیوند pey-vand = بلند کشیده

 mey - dān

پایگاه pay-gāh، پایدار pay-dar، جویبار juy-bar = کشیده کشیده

 pāy - gāh

کلمات سه هجایی: پیوسته pey-vas-te ، پیمانه pey-mā-ne ، میخانه mey-xā-ne

= بلند بلند کوتاه
pey - vas - te

نشانه های هجا

برای هجاهای «کوتاه و بلند» نشانه هایی به کار می رود که جنبه بین المللی دارد. این نشانه ها چنین است:

۱) U برای هجای کوتاه ۲) — برای هجای بلند

همچنین طریق دیگری نیز در ایران برای نشان دادن کوتاهی و بلندی هجاها به کار برده شده که از حروف «ت» و «ن» و نیز «الف» استفاده می شود و در گذشته بیش تر بین اهل موسیقی معمول بوده است. بدین شکل:

۱) «ت» یا «ن» برای هجای کوتاه ۲) «تُن» یا «نُن» و گاهی «نا» برای هجای بلند. این حروف به نام «اتانین» (بر وزن افاعیل) مصطلح بوده است و شعرا نیز گاهی به طور نمادین به آن اشاره کرده اند. چنان که مولوی در دیوان شمس می گوید:

من چنگ توام بر هر رگ من تو زخمه زنی من تن تننم

مثال هایی برای استفاده از نشانه های یادشده :

دانا = بلند بلند (--) تَن تَن
dā - nā

آزادی = بلند بلند بلند (---) تَن تَن تَن
ā - zā - dī

آزادگی = بلند بلند کوتاه بلند (- U - -) تَن تَن تَن
ā - zā - de - gī

توانا = کوتاه بلند بلند (U - -) تَن تَن تَن
ta - vā - nā

زندگانی = بلند کوتاه بلند بلند (- U - -) تَن تَن تَن
zen - de - gā - nī

مرغ سحر = بلند کوتاه کوتاه بلند (- UU -) تَن تَن تَن
mor - qe sa - har

به کارگیری هجای «کوتاه» به جای «بلند»

در پاره ای موارد و بنا به ضرورت شعری، تغییراتی در به کارگیری هجاها حاصل می شود که معمولاً جزو اختیارات شاعری است و باید کاملاً به آن توجه کرد. از جمله ممکن است در مصراعی از شعر هجای «کوتاه» به جای «بلند» به کار برده شود. برای مثال در شعر زیر:

سازِ طربِ عشق که داند که چه سازی است کز زخمه آن هُ فلک اندر تک و تاب است

در دو کلمه ((سازِ طریب)) چهار هجای ((کوتاه)) پشت سرهم قرار گرفته است:

| | | | | |
|------|-------|-------|-------|-------|
| ۵ | ۲ | | | |
| ب | ز | ط | ر | سا |
| — | — | — | — | — |
| سا | ز | ط | ر | سا |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | کوتاه |

| | | | | |
|------|-------|-------|-------|-------|
| سا | ز | ط | ر | سا |
| — | — | — | — | — |
| سا | ز | ط | ر | سا |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | کوتاه |

که معمولاً توالی این تعداد هجای کوتاه در اشعار کلاسیک فارسی متداول نیست و بنا به نحوه بیان کلمات و نیاز شعر (از نظر تطبیق با افاعیل عروضی)، دو هجای کوتاه دوم و پنجم آن به جای ((بلند)) به کار رفته است. بنابراین ریتم موسیقایی آن نیز باید برابر با کشش هجای ((بلند)) در نظر گرفته شود، بدین ترتیب:

| | | | | |
|---------|-------|-------|-------|---------|
| ۵ | ۲ | | | |
| ب | ز | ط | ر | سا |
| — | — | — | — | — |
| سا | ز | ط | ر | سا |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | بلند |
| (کوتاه) | | | | (کوتاه) |

| | | | | |
|------|-------|-------|-------|------|
| سا | ز | ط | ر | سا |
| — | — | — | — | — |
| سا | ز | ط | ر | سا |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | بلند |

به ویژه که هنگام مقایسه با هجاهای آغازین مصراع دوم: ((کز زخمه آن)) نیز تبدیل هجای کوتاه به جای بلند (در مصراع اول) کاملاً روشن می شود:

| | | | | |
|---------|-------|-------|------|------|
| ۵ | ۴ | ۲ | ۲ | ۱ |
| ب | ر | ط | ز | سا |
| — | — | — | — | — |
| آن | ی | م | زخ | کز |
| — | — | — | — | — |
| بلند | کوتاه | کوتاه | بلند | بلند |
| (کشیده) | | | | |

| | | | | |
|------|-------|-------|-------|------|
| کاز | زاکس | م | ی | آن |
| — | — | — | — | — |
| کاز | زاکس | م | ی | آن |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | بلند |

به این ترتیب، ریتم موسیقایی پنج هجای آغاز مصراع اول و دوم (از نظر امتداد هجاها) با هم برابر می شود. بنابراین برای شناخت جابه جایی هجاها به دو صورت می توان عمل کرد:

الف) توجه به نحوه بیان اشعار در توالی کلمات.

ب) مقایسه کوتاهی و بلندی هجاهای مختلفِ مصرع ها در شیوه شعر کهن. مثال های دیگر:

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادگاری که درین گنبد دوار بماند (حافظ)
در مصراع اول این بیت نیز هجای چهارم تا هفتم هجای کوتاه است:

| | | | | | | | |
|------|-------|-------|-------|------|-------|------|---------------|
| ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | از صدای سخن = |
| ن | خ | س | ی | دا | صد | از | |
| — | — | — | — | — | — | — | |
| ن | خ | س | ی | دا | صد | از | |
| بلند | کوتاه | کوتاه | کوتاه | بلند | کوتاه | بلند | |

که با توجه به نحوه بیان و نیز مقایسه آن با مصراع دوم:

| | | | | | | | |
|------|-------|-------|------|------|-------|------|-------------------|
| ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | = یادگاری که درین |
| رین | د | ک | ری | گا | د | یا | |
| بلند | کوتاه | کوتاه | بلند | بلند | کوتاه | بلند | |

(کشیده) U U — — U —

این نتیجه حاصل می شود که هجای چهارم و هفتم آن ((بلند)) است ولی در مصراع اول، هجای ((کوتاه)) به جای آن منظور شده است و ریتم موسیقایی آنها را باید برابر

مصراع دوم، هجای ((بلند)) محسوب کنیم:

از صدای سخن یادگاری که درین
 az se - dā - ye so - xa - ne
 yā - de - gā - rī ke da - rīn

در اشعار زیر نمونه های دیگری از به کارگیری هجای ((کوتاه)) به جای ((بلند)) دیده می شود:

چه کنم زاری چه کنم افغان نه غم وصلم نه غم هجران

| | |
|-------------------------|-----------------------------|
| چ ک نم زاری چ کنم افغان | ن غم وصلم ن غم هجران |
| — — — U U — — — U U | — — — (U) U U — — — (U) U U |

در بیت بالا هجای کوتاه ((م)) در کلمه ((غم)) به جای ((بلند)) واقع شده است.

ای که ز یک تابش تو کوه احد پاره شود چه عجب ار مشت گلی عاشق و بیچاره شود
 (مولوی، دیوان شمس)

ای که ز یک تابش تو کوه احد پاره شود

چ عجب ار مشت گلی عاشق بیچاره شود

در شعر بالا، علاوه بر سه هجای کوتاه و بلند ابتدای مصراع دوم که به نسبت مصراع اول جابه جا شده است، هجای کوتاه ((ت)) در مصراع اول نیز به جای ((بلند)) قرار گرفته است.

همچنین در سه کلمه ((شرح غم هجرانم))، حرف ((ح)) هجای کوتاهی است که در جای ((بلند)) قرار گرفته است و ریتم آن را از نظر موسیقی می توان چنین نشان داد:

شرح غم هجرانم

shar - he qa - me hej - rā - nam

و نیز در سه کلمه ((غم دل مرا)) با اینکه پنج هجای کوتاه پشت سرهم قرار گرفته است:

غم دل مرا

qa - me de - le ma - rā

چون هجاهای دوم و چهارم آن با امتداد هجای ((بلند)) ادا می شود، ریتم موسیقایی آن چنین خواهد شد:

qa - me de - le ma - rā

البته، به کارگیری چند هجای کوتاه پشت سرهم در مکالمات صحنه‌ای و اپرایی و نظایر آن مانعی نخواهد داشت، ولی باید یادآوری شود که توالی این تعداد هجای کوتاه در زبان و اوزان شعر کلاسیک فارسی متداول نیست.

به کارگیری هجای بلند + کوتاه به جای هجای کشیده

با توجه به اینکه در زبان فارسی تعداد هجاهای ((بلند، کشیده، کشیده‌تر)) بیش از هجای ((کوتاه)) است، اغلب مشاهده می‌شود که شاعران در مصراع‌های از شعر، یک هجای کشیده را به جای دو هجا (= یک هجای بلند + یک هجای کوتاه) به کار برده‌اند و به این ترتیب هجاهای ((کشیده)) و ((کشیده‌تر)) در تقطیع عروضی اشعار کلاسیک فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال، کلمه ((پیر)) که هجای ((کشیده)) است در شعر زیر به جای مجموع یک هجای ((بلند + کوتاه)) به کار رفته است که با توجه به توالی نشانه‌های هجا و نیز اشاره به افاعیل عروضی آن در زیر کلمات، این موضوع کاملاً مشخص می‌شود:

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود (فردوسی)

| | | | | | | | | | | | | |
|---|----|----|----|---|----|----|---|---|----|----|----|---|
| ت | وا | نا | بُ | و | د | هر | ا | ک | دا | نا | بُ | و |
| u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u |
| ف | هو | لن | ا | ف | هو | لن | ا | ف | هو | لن | ا | ف |
| ز | دا | نش | د | ل | پ | پ | پ | پ | ر | نا | بُ | و |
| u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u |

ضمن اینکه حرف ((ل)) در کلمه ((دل)) (در مصراع دوم) بنا به توضیح پیشین، هجای کوتاهی است که در جای بلند قرار گرفته است، ریتم موسیقایی شعر بالا در نخستین نگرش (اگر هجای ((بلند)) را ((چنگ)) در نظر بگیریم) چنین خواهد بود:

ta - vā - nā bo - vad har ke dā - nā bo - vad

ze dā - neš de - le pīr - bor - nā bo - vad

مثالی دیگر: بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد (سعدی)

| | | | | | | | | | | | | | | | |
|----|-----|----|----|----|-----|---|---|---|----|----|---|---|----|---|----|
| بُ | زُر | گش | اَ | دَ | خ | ا | ن | ن | بُ | اَ | ه | ل | اَ | خ | ر |
| u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u |
| ک | ن | ا | م | بُ | زُر | گ | ا | ن | ا | ب | ز | ش | ت | ی | بُ |
| u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u | u |

bo - zor - gaš na - xa - nand ah - le xe - rad

ke nā - me bo - zor - gān be zeš - tī ba - rad

کتابخانه
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

در این شعر نیز هجای کشیده ((نند)) در کلمه ((نخوانند)) از مجموع امتداد هجای ((بلند + کوتاه)) ترکیب شده است. در ضمن حرف ((ل)) در کلمه ((اهل)) و ((م)) در کلمه ((نام)) هجاهای کوتاهی هستند که در جای ((بلند)) قرار گرفته‌اند. لازم به یادآوری است که در پاره‌ای از موارد هجای ((کشیده)) نیز به جای ((بلند)) قرار می‌گیرد. در مصراع دوم شعر بالا هجای ((گان)) (که با ستاره مشخص شده) در کلمه ((بزرگان)) هجای کشیده‌ای است که به جای هجای بلند به کار رفته است. همچنین در شعر زیر:

چه عشقست این که در دل شد کزو پایم درین گل شد (اوحدی)

چ عشق قست تین ک در دل شد
 گ زو پا یم درین گل شد

çe eš - qas - tīn | ke dar del - šod

 ka - zu pā - yam | da - rīn gel šod

هجای ((قست)) در کلمه ((عشقست)) هجای ((کشیده)) است ولی چون در توالی کلمات مصراع اول به صورت ((عشق / قست / تین)) بیان می‌شود، در نتیجه هجای کشیده آن به بلند تبدیل می‌شود و به این ترتیب با هجای بلند ((پا)) در مصراع دوم برابر می‌شود. ضمناً هجای ((تین)) در مصراع اول و ((رین)) در مصراع دوم هر دو هجای کشیده هستند ولی در شعر بالا به جای هجای بلند به کار رفته‌اند. در شعری دیگر:

برآید تو را این چنین کار چند به نیروی تدبیر و بخت بلند (فردوسی)

ب را ید ت را این چ نین کار چند
 ب ند روی تد بی ر بخت ب لند

ba - rā - yad | to rā īn | ço(e) - nīn | kār + — — — — — | čand

 be nī - ru - ye | tad - bī - ro | bax - te | bo - land

علاوه بر هجای کشیده ((کار)) که در شعر بالا به جای مجموع یک هجای بلند و یک هجای کوتاه قرار گرفته است، هجاهای ((این))، ((چند)) و ((نین)) در کلمه ((چنین)) و ((لند)) در کلمه ((بلند)) (که با ستاره مشخص شده است)، هجاهای ((کشیده))‌ای هستند که در جای هجای ((بلند)) به کار رفته‌اند که از این نمونه‌ها در

اشعار کلاسیک فارسی بسیار است. علامت (X) نیز مربوط به هجای کوتاه ((ت)) در کلمه ((بخت)) است که به جای بلند به کار رفته است. مثالی دیگر: بگوید دهل ها و دگر هیچ مگویند چه جای دل و عقل است که جان نیز رمیده است (مولوی، کلیات شمس)

ب کو بید دهل ها و دگر هیچ مگویند
 - - - - -
 ی جا ی دل عقل است که جان نیز رمیده دست
 - - - - -

be - ku - bīd do - hol - hā vo de - gar hič ma - gu - yīd
 če jā - ye de - lo aq - last ke jān nīz ra - mī - dast

به طوری که دیده می شود در شعر بالا نیز هجاهای کشیده ((بید)) در کلمه ((بگوید))، ((هیچ))، ((نیز)) و ((لست)) در کلمه ((عقل است)) به جای مجموع امتداد هجاهای بلند + کوتاه به کار رفته اند. همچنین، کلمه های ((جان)) و ((دست)) - هجای سوم کلمه ((رمیده است)) - که هجای ((کشیده)) اند در جای هجای ((بلند)) به کار رفته اند و برعکس، حرف ((ی)) در کلمه ((جای)) که هجای کوتاه است به جای ((بلند)) منظور شده است.

نکته دیگر اینکه هجاهای ((بید)) و ((بید)) در کلمات ((بگوید)) و ((مگوید)) (در مصراع اول بیت بالا)، با اینکه هر دو هجای ((کشیده)) هستند، ولی با دو امتداد نسبتاً متفاوت به کار رفته اند؛ بدین ترتیب که در ابتدای این مصراع امتداد هجای ((بید)) با مجموع هجاهای ((بلند + کوتاه)) (= کشیده) برابر است، ولی در پایان همین مصراع امتداد هجای کشیده ((بید)) با هجای بلند برابر شده است که باید گفت همه این موارد از اختیارات شاعری است.

یادآوری) در برخی از مواردی که هجای ((کشیده)) برابر هجاهای ((بلند + کوتاه)) به کار می رود، وزن هجای ((کوتاه)) آن با افزودن ((و)) نشان داده می شود و هجای کشیده در عمل به یک هجای ((بلند)) و یک هجای ((کوتاه)) تبدیل می شود. مانند کلمه ((کار)) در مصراع ((برآید تو را این چنین کار [کار و] چند)) و یا کلمات ((نیس و)) و ((داشوتن)) در شعر زیر:

شرط مردان نیست [نیس و] در جان عشق جانان داشتن [داشوتن]
 پس دل اندر بند وصل و بند هجران داشتن [داشوتن] (سنایی)

و نیز در شعری دیگر:

بگذار [بگذار و] تا بگیرم چون ابر [ابر] در بهاران
 کز سنگ [سنگ و] ناله خیزد روز وداع یاران (سعدی)

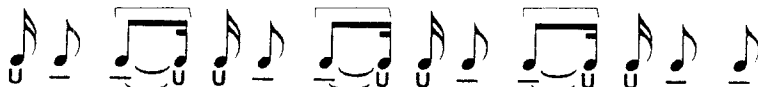
گرچه این عمل معمولاً برای تفهیم وزن عروضی شعر به کار می رود، ولی در استفاده اشعار برای موسیقی آوازی نباید با به کارگیری ((و)) اضافی حاصل کار هنرمندان شعر و ادب مخدوش شود. بی شک با وسعت امکاناتی که از نظر ریتم در موسیقی وجود دارد، می توان هجاهای ((کشیده)) و ((کشیده تر)) را در موسیقی آوازی جای داد و نیازی به استفاده نادرست از ((و)) اضافی نیست؛ به ویژه ممکن

است در بعضی ابیات از پنج تا شش مورد هجاهای ((بلند + کوتاه)) استفاده شده باشد. مانند نمونه زیر:

بیارید به یک بار همه جان و جهان را به خورشید سپارید که خوش تیغ کشیده است (مولوی)

(ب)
 بی ی ا رید ب یک بار ه م جان ج هان را
 _ _ u u _ (u) u u _ _ u u _ _ u
 ب خُ رُ شید سِ پا رید ک خُش تیغ ک شید دست
 _ _ u u _ _ u u _ _ u u _ _ u


 bi - yā - rīd - be yek bār - ha - me jā - no ja - hān rā


 be xor - šīd - se - pā - rīd - ke xoš tīq - ke - šī - dast

ضمن آرایه پنج شاهد مثال از هجاهای ((بلند + کوتاه)) در شعر بالا، لازم به یادآوری است که مقایسه اولین هجای مصرع‌های اول و دوم شعر بالا، نشان دهنده آن است که ((ای کوتاه)) در هجای اول ((بیارید)) از نظر کوتاهی هجا، درست برابر با ((ب)) هجای اول ((به خورشید)) در مصراع دوم است که در این نت نگاری، ریتم موسیقی این هجاها برابر با دولاچنگ منظور شده است. ضمناً هجای ((هان)) در کلمه ((جهان)) (که با ستاره مشخص شده) و هجای ((دست)) در کلمه ((کشیده است))، هر دو هجای ((کشیده)) هستند ولی به جای ((بلند)) به کار رفته اند. شعری دیگر با شش مورد از هجاهای ((بلند + کوتاه)):

بیایید بیایید که گلزار دمیده است بیایید بیایید که دل‌دار رسیده است (مولوی)

بی' یا بیید بی یا بیید ک گل زار دمید دست
 _ _ u u _ _ u u _ _ u u _ _ u

بی یا بیید بی یا بیید ک دل دار ر سید دست
 _ _ u u _ _ u u _ _ u u _ _ u

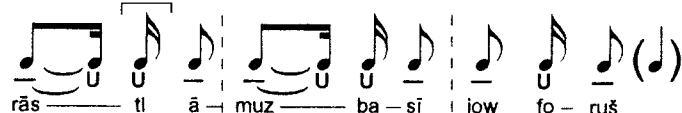
در بیت بالا نیز هجای کشیده ((دست)) در دو مورد ((دمیده است)) و ((رسیده است))، در جای هجای ((بلند)) به کار رفته است. در موسیقی نیز می‌توان ریتم آن را به همین اندازه یا در صورت امکان با کشش بیش‌تر در نظر گرفت. با توجه به مطالب و نمونه‌های ذکر شده، مشخص است که شعرا هجاهای ((کشیده)) و ((کشیده‌تر)) را با امتداد هجای ((بلند)) یا ((بلند + کوتاه)) برابر گرفته‌اند و افعیل عروضی نیز بر همین روال پی‌ریزی شده است. با شناخت صحیح ارزش هجاهای مختلف می‌توان در برابر امتداد هر یک از هجاهای شعر، ریتم مناسبی را در موسیقی آوازی در نظر گرفت که در گفتارهای بعد به‌طور گسترده در این مورد صحبت خواهد شد.

کاربرد ((ای کوتاه)) در توالی کلمات

به جز کلماتی که مصوت ((ای)) در آنها ((کوتاه)) بیان می‌شود، گاهی در توالی کلمات نیز چنین موردی پیش می‌آید که باید ریتم موسیقایی آن را برابر با وزنی که

در شعر عرضه شده است، ((کوتاه)) در نظر گرفت. از جمله در شعر زیر:
 راستی آموز بسی جو فروش هست درین کوی که گندم نماست (پروین اعتماسی)

| | | |
|-----------|------------|------------|
| راسِ تی آ | موزِ بی سی | جو فِ روش |
| — — — — — | — — — — — | — — — — — |
| هست درین | کوی که گند | مِ نِ ماست |
| — — — — — | — — — — — | — — — — — |



rās ————— ti ā ————— muz ————— ba — si jow fo — ruš

hast ————— da — rin | kuy ————— ke gan — dom na — māst

بنا به توضیحات گفتار دوم، مصوتِ هجای ((تی)) (در کلمه ((راستی)) و مشابه آن) بلند است، ولی در مصراع اول شعر بالا در توالی کلمات ((راستی آموز))، این هجا به تندی و به طور کوتاه گفته می شود. به همین دلیل ضمن اینکه در آوانویسی باید با ((آ)) (بدون خط) نوشته شود، ریتم موسیقایی آن نیز ((کوتاه)) منظور گردد. به ویژه که از نظر کوتاهی نیز با هجای کوتاه ((د)) در کلمه ((درین)) مصراع دوم برابر می شود. ضمناً در شعر بالا، هجای ((راس)) در کلمه ((راستی))، ((موز)) در کلمه ((آموز)) و نیز کلمات ((هست)) و ((کوی)) هجاهای ((کشیده)) اند که از مجموع هجای ((بلند + کوتاه)) تشکیل شده اند و از نظر موسیقی نیز کشش بیش تری برای آنها منظور شده است. همچنین می توان برای هجای ((ماست)) در کلمه ((نماست))، چون هجای کشیده تر است، در موسیقی آوازی کشش بیش تری منظور کرد؛ به همین دلیل نت سیاه اضافی در پرانتز نوشته شده است.

در نمونه های دیگر:

چون به گلشن صبا بگذرد بویی از زلف یار آورد

| | | |
|-----------|--------------------|----------------------|
| چُن بِ گل | شَن صَ با بُگِ دَر | بُوی از زلف یار آورد |
| — — — — — | — — — — — | — — — — — |



čon be gol — šan sa — bā bog — za — rad

bu — yi az | zol — fe yā — rā — va — rad

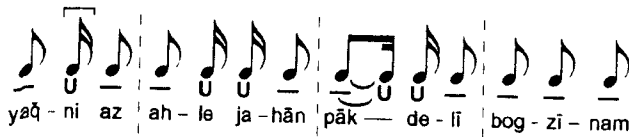
جام می گیرم و از اهل ریا دور شوم یعنی از اهل جهان پاک دلی بگزینم (حافظ)

| | | |
|-----------|------------------|----------------------|
| جَ امِ می | کَی رَمُ از اَهِ | رِی یَا دُورِ شِ و م |
| — — — — — | — — — — — | — — — — — |



jā — me mey gī — ra — mo az ah — le ri — yā dur — ša — vam

یعنی از اهل جهان پاک دلی بگزینم



در مصراع دوم شعر بالا نیز هجای ((نی)) در توالی کلمات ((یعنی از)) در جای هجای کوتاه قرار گرفته است که مانند شعر پیشین، ریتم موسیقایی آن باید ((کوتاه)) منظور شود. بنابراین باید توجه کرد که ریتم موسیقایی هجاها بنا به نحوه بیان کلمات در نظر گرفته می شود. در ضمن کلمه ((ریا)) در شعر بالا از جمله کلماتی است که با ((ای کوتاه)) به کار می رود. همچنین هجای ((زی)) در کلمه ((بگزینم)) (آخر مصراع دوم) هجای بلندی است که با توجه به ریتم موسیقایی آخر مصراع اول، به جای دو هجای کوتاه واقع شده است. این گونه موارد نیز از اختیارات شاعری است و در موسیقی آوازی هم باید از نظر ریتم مورد توجه قرار گیرد. تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت (حافظ) علاقه مندان می توانند ریتم موسیقایی شعر بالا را (با توجه به اینکه در تداوم کلمات (دوری دلبر)) از ((ای کوتاه)) استفاده شده است) همراه تمرینات دیگر بنویسند.

کاربرد کوتاه مصوت ((او)) در توالی کلمات

در پاره ای از موارد مصوت بلند ((او)) نیز در توالی کلمات شعر با سرعت بیان می شود و باید آن را برابر هجای کوتاه در نظر گرفت. در این صورت ریتم موسیقایی آن نیز کوتاه خواهد بود. برای نمونه در شعر زیر: داروی تربیت از پیر طریقت بستان کادمی را بتر از علت نادانی نیست (سعدی)

دا رُوی | تر بید ی | تَز پیر ط | رِی ا ق ت ب س تان
 - u - - - u u - - - u u - - - u - -

dā - ru - ye | tar - bi - ya - taz | pī - re ta - rī - qat | be - se - tān

کا د می | را ب ت | ر ز | ع ل ت نا | دا نی نیست
 - u - - - u u - - - u - - - u - -

kā - da - mī | rā | ba - ta - raz | el - la - te nā - dā - nī | nīst

هجای ((رو)) در کلمه ((دارو)) که هجای بلند است، در توالی کلمات شعر بالا در جای ((کوتاه)) قرار گرفته و با ((د)) (هجای دوم کلمه ((کادمی)) در مصراع بعد) برابر است. در ضمن هجای ((بید)) در کلمه ((تربیت)) هجای کوتاهی است که با ((ای کوتاه)) به کار رفته است.

نمونه ای دیگر: در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود آرزویی که همی دارم اکنون پژمان (رعدی آذرخشی)

در چ نان | روز م را | آ ر ز و ی | خ ا ه د ب و د
 - - - - - u u - - - u u - - - u - -



dar čo(e) - nān iruz — ma - rā ā - re - zu - yī xā - had - bud

آر زو | بی ک' ه' می | دار د مک | نون پڑ مان



ā - re - zu - yī ke ha - mī dā - ra - da - mak - nun pež - mān

هجای ((زو)) (سومین هجای کلمه ((آرزویی))) که هجای بلند است، به سبب اینکه در توالی کلمات مصراع اول شعر بالا به سرعت گفته می‌شود، در جای هجای ((کوتاه)) قرار گرفته است؛ ولی همین هجا در کلمه اول مصراع دوم، در جای اصلی و با امتداد هجای ((بلند)) به کار رفته است. همه این موارد از اختیارات شاعری است و گویای آن است که با آگاهی و بصیرت کافی می‌توان ضمن توجه به امتداد هجاهای شعر، تنوع بیش‌تری در ریتم‌های موسیقی آوازی به وجود آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها:

۱. در این باره بعداً بیش تر توضیح داده خواهد شد.
۲. در مورد جایگزینی هجای «پلند» به جای «کوتاه»، که معمولاً در اشعار به کار می رود، بعداً توضیح داده شده است.
۳. در ادامه همین گفتار توضیح لازم آمده است.
۴. در وصل کلمه «خسرو» و مشابه آن به هجا یا کلمه بعد، حرف «W» از آخر آن حذف می شود. مانند: خسروان. *xosrovan*.
۵. دکتر خانلری، وزن شعر فارسی، انتشارات توس، ۱۳۶۱، چاپ چهارم، ص ۱۲۷.
۶. همان، ص ۱۴۷.
۷. به مفهوم ساز.
۸. به مفهوم سیم.
۹. به صدا درمی آیم (معانی از زنده یاد دکتر ضیاءالدین سجادی)
۱۰. خطوط نقطه چین عمودی بین نت ها مربوط به تقسیمات عروضی شعر است و با خطوط میزان های موسیقی ارتباطی ندارد.